

تاریخ صد ساله
احزاب و سازمانهای سیاسی ایران
(۱۲۸۴-۱۳۸۴)

جلد اول

(از انقلاب مشروطیت ۱۲۸۵ تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷)

یونس پارسا بناب

تقدیم به : مادرم سارا (مهین)، همسرم نادیا و تمام زنان آزادهٔ زحمتکش ایران، که با
وارستگی و بردباری مشعل «امیدواری عشق به زندگی انسانیت» را از گذرگاه‌های پر تلاطم و
تعیین‌کنندهٔ تاریخ گذر می‌دهند و اجاق زندگی را فروزان نگه میدارند.

یونس پارسا بناب

واشنگتن، بهار ۱۳۸۳

مقدمه

در تاریخ سیاسی ایران معاصر، مشخصاً از زمان آغاز جنبش مشروطیت تا کنون، سازمانها و احزاب سیاسی گوناگونی بعد از پیدایش و شکل گیری بتدریج در طول صد سال گذشته بصورت چهار نیروی اساسی اجتماعی- سیاسی در جامعه ایران بمنصه ظهور رسیده اند. این چهار نیروی اساسی که هر یک دارای ویژگی های فرهنگی، تاریخی و ایدئولوژیکی مشخص به خود هستند، عبارتند از:

۱- نیروی سلطنت طلبان، که بطور عمده تحت تأثیر ارزشهای «غربی» کشورهای صنعتی سرمایه داری مرکز (جهان اول)، خواهان پیوند به مدار نظام جهانی سرمایه بوده است.

۲- نیروی ملی گرایان، که عموماً در جهت استقرار حاکمیت ملی و اجرای سیاست خارجی « غیر متعهد» جهان سومی خواهان یک نوع «گسست» از مدار نظام جهانی سرمایه بوده است.

۳- نیروی مذهبیین سیاسی (اسلامی ها)، که بخشی از آنان (طرفداران «تئوکراسی» ولایت فقیه) با انحصار ارگانهای نظام دولتی در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷، موفق به استقرار دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی سرمایه در ایران شده است.

۴- نیروی چپ های مارکسیست، که با اینکه در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی موفق شده بود بیش از هفتاد در صد دانشجویان و جوانان ایران را در زیر هژمونی فرهنگی خود بسیج سازد، امروزه با شکست انقلاب ایران و فروپاشی و شکست اردوگاه سوسیالیستی (بلوک شرق) دچار بحران گشته است.

بررسی چند و چون احزاب و سازمانهای درون هریک از این نیروهای اساسی میتواند پاسخی به این سوال تاریخی باشد که چرا مردم ایران، علیرغم مبارزات پر اهمیت صدساله خود، حتی به بخشی از خواسته های تاریخی خود (استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی) دست نیافته اند. تاریخ مبارزات مردم ایران در راه کسب این خواسته های سه گانه- که نگارنده در این کتاب

از آنها به عنوان «سه اصل خلق» نام برده است - در صد سال گذشته از جوانب مختلف مورد بررسی مورخین تاریخ معاصر در داخل و خارج از ایران قرار گرفته است. ولی به غیر از چند تحلیل گر، اکثر این صاحب نظران و ایران شناسان، فراز و نشیب ها، چرخش ها و پیروزیها و شکست های مردم ایران از انقلاب مشروطیت تا کنون را معلول «توطئه خارجی»، «توطئه انگلیسی ها»، «وجود شخصیت فرهمند»، «قدرت و ماهیت اسلام»، «تحریک آمریکا»، و یا «اتحاد نامقدس روحانیون اُرتدکس و مارکسیست های فرصت طلب»، «تحریک و توطئه شوروی» و بالاخره «عقب افتادگی فرهنگی مردم» و «نبود یک طبقه متوسط قوی و مدرن» دانسته اند. در صورتیکه تجزیه و تحلیل تاریخی از این مبارزات نشان میدهد که فراز و نشیب ها، چرخش ها و نقاط عطف و پیروزیها و شکست های مردم محصول همکاریها، رودروئی ها، تداخل و روابط متقابل و چند جانبه و درهم تنیده ای طیف های مختلف درون چهار نیروی اساسی فوق الذکر از یک سو و چگونگی عملکرد، عکس العمل و چالش این نیروها در مقابل سیاست نظام جهانی سرمایه (امپریالیسم) از سوی دیگر بوده است.

به نظر نگارنده فراز و نشیب های تاریخ معاصر هیچ کشوری را نمیتوان جدا از چارچوب نظام جهانی که عموماً در اوضاع بین المللی (بویژه در پنجاه سال گذشته به خاطر تشدید جهانی شدن حرکت سرمایه) جنبه غالب را داشته است، مورد بررسی جامع و مفید قرار داد. بدون تردید، ماهیت و ویژگی های ساختاری اقتصادی - اجتماعی ایران، منجمله عوامل فرهنگی - عادات، آداب، رسوم و سنن مردم - نقش مهمی در روند تکاملی فراز و نشیب های ایران بازی کرده اند، ولی عامل تعیین کننده در سرانجام و عاقبت این فراز و نشیب ها را باید در چگونگی عکس العمل مجموعه چهار نیروی اساسی در مقابل حرکت سرمایه و سیاستهای نظام جهانی سرمایه جستجو کرد. بدون توجه به تأثیرات عکس العمل این چهار نیرو در مقابل سیاستهای نظام جهانی سرمایه هیچیک از رویدادها و وقایع مهم تاریخ معاصر مردم ایران را نمیتوان به طور جامع و شفاف درک کرد. بگمان من، پیروزی ها و شکست های مردم ایران در جنبش تنباکو (۱۲۶۸ - ۱۲۶۹)، انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ - ۱۲۹۰)، جنبش های رهائی بخش شمال (۱۲۹۶ - ۱۳۰۰)، جنبش ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹ - ۱۳۳۲) و انقلاب بهمن ۱۳۵۷ فرآیند های متنوع صدسال مبارزه و تلاقی بین سازمانها و احزاب سیاسی و نهادهای نظامی و دولتی و فرهنگی (که از دل این چهار نیروی اساسی بیرون آمده اند) از یک سو و عکس العمل و چالش آنها در مقابل سیاست های نظام جهانی سرمایه از سوی دیگر بوده اند.

تاریخ صد ساله احزاب و سازمانهای سیاسی ایران

هدف از نگارش این کتاب، ارزیابی تاریخی و رشد تشکیلاتی و عقیدتی احزاب و سازمانهای سیاسی متعلق به این چهار نیروی اساسی در دوره های مشخص تاریخ تکامل صد ساله اخیر ایران (از آغاز انقلاب مشروطیت تا کنون) میباشد. در بررسی پروسه تکاملی موقعیت ژئوپولیتیکی ایران به عنوان یک کشور توسعه نیافته پیرامونی و رابطه آن با نظام جهانی سرمایه، اکثر مورخین، منجمله نگارنده، تاریخ سیاسی ایران معاصر را به دوره های مشخص ولی بهم پیوسته، زیرین تقسیم میکنند:

- دوره نفوذ و رقابت قدرتهای استعماری، بویژه روسیه تزاری و امپراطوری بریتانیا و تبدیل تدریجی ایران بیک کشور توسعه نیافته وابسته جهان سوم: ۱۸۲۸ - ۱۸۹۰ میلادی (۱۲۰۷ - ۱۲۶۹ خورشیدی).

- دوره جنبش تحریم تنباکو و آغاز رشد آگاهی های ملی و سیاسی: ۱۸۹۰ - ۱۹۰۵ (۱۲۶۹ - ۱۲۸۴ خورشیدی).

- دوره انقلاب مشروطیت: ۱۹۰۶ - ۱۹۱۱ (۱۲۸۵ - ۱۲۹۰ خورشیدی) و رشد و اعتلای جنبش های رهائی بخش ملی: ۱۹۱۲ - ۱۹۲۱ (۱۲۹۱ - ۱۳۰۰ خورشیدی).

- دوره دیکتاتوری بیست ساله رضاشاه پهلوی: ۱۹۲۱ - ۱۹۴۱ (۱۲۹۹ - ۱۳۲۰ خورشیدی).

- دوره آزادیهای دموکراتیک: ۱۹۴۱ - ۱۹۵۱ (۱۳۲۰ - ۱۳۳۰ خورشیدی).

- عهد کوتاه ملی شدن صنعت نفت و زمامداری دکتر مصدق: ۱۹۵۱ - ۱۹۵۳ (۱۳۳۰ - ۱۳۳۲ خورشیدی).

- دوره اول دیکتاتوری محمد رضا شاه پهلوی: از کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ تا قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ (۱۹۵۳ - ۱۹۶۳ میلادی)

- دوره دوم دیکتاتوری محمد رضا شاه پهلوی: از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۹۶۳ - ۱۹۷۹ میلادی) و

- دوره بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹): از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تا کنون ۱۳۸۴ (۲۰۰۵ میلادی).

این کتاب، که در دو جلد انتشار مییابد، شامل ده فصل است. فصل های اول تا هفتم، که محتوی جلد اول میباشد، دوره های مختلف تاریخ معاصر ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را در برمیگیرند. هر یک از این فصل ها، بعد از مرور به مشخصات عمده و روند کلی هر دوره مشخص، کم و کیف پیدایش و تحول احزاب و سازمانهای سیاسی آن دوره را

بررسی می‌کند. فصل‌های هشتم، نهم و دهم، که محتوی جلد دوم را تشکیل می‌دهند، چند و چون احزاب و سازمانهای سیاسی دوره بعد از انقلاب ۱۳۵۷ تا کنون را تشریح می‌کنند.

امید است که این بررسی تاریخی بتواند نکات و گوشه‌هایی از مقام و اهمیت احزاب و سازمانهای سیاسی را، که از ارکان اصلی مردم‌سالاری و از نهادهای اساسی دموکراتگرایی در جوامع امروزی محسوب میشوند، بازگو کرده و قدمی دیگر در شناسائی تاریخ سیاسی این نهاد گردد.

در تهیه و نگارش این کتاب، نگارنده از منابع مختلف، منجمله اسناد و مدارک دولتی، خاطرات سیاستمداران ایران، انتشارات و مطبوعات احزاب و سازمانهای سیاسی و بالاخره تحقیقات متنوع صاحب‌نظران و تحلیل‌گران سیاسی در امور تاریخ سیاسی احزاب در دوره‌های مختلف تاریخ سیاسی ایران، استفاده کرده است. این منابع با یادداشت‌های توضیحی در پایان هر فصل تحت، «پی‌نویس‌ها» و در آخر کتاب در بخش «منابع و مآخذ» آورده شده‌اند که مورد استفاده پژوهشگران تاریخ سیاسی احزاب و سازمانهای سیاسی ایران قرار گیرند.

در خاتمه از همکاری بی‌آلایش دوستان علاقمند، بویژه گرامی یاد رفیق محمد عدیلی (که تا آخرین روزهای زندگیش مرا در تنظیم و نگارش این کتاب یاری داد)، آقای کامشاد راوندی (ناشر کتاب)، آقای تقی مختار (سر دبیر نشریه «ایرانیان»، چاپ واشنگتن)، خانم شهین پارسا (تهران)، دکتر غلامحسین شکوهمند (تبریز)، آقای مجتبی نظری و خانم فلوریا حقی (ویرجینیا)، که مرا در تهیه و انتشار این کتاب یاری داده‌اند صمیمانه یاد کرده و تشکر می‌کنم. در ضمن از همه منتقدان و تحلیل‌گران تاریخ سیاسی احزاب و سازمانهای سیاسی ایران چشم‌یاری داشته و دست دوستی بسویشان دراز می‌کنم تا نگارنده را در ادامه این راه یاری دهند و با پیشنهادات ارسالی و راهنمایی‌های انتقادی خود بر رونق و رشد این کتاب در چاپهای آینده بیافزایند.